

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

مارتین سکندورف - Martin Seckendorf

برگردان از: جاوید

۲۳ مارچ ۲۰۱۵

تهاجم برق آسا



۷۰ سال قبل ارتش سرخ در یک تهاجم گسترده تا فرانکفورت – اودر «شهری در سرحد المان و پولند که رودخانه اودر در بین آن جریان دارد» پیش آمد و برای ضربه زدن به برلین آمادگی می گرفت .

در تابستان ۱۹۴۴ ارتش سرخ در یک سلسله جنگ های بزرگ تلفات عظیمی به قوای مسلح المان (ورماخت) وارد کرد . این تلفات بدتر از کشتارگاه وردون در جنگ جهانی اول و قوی تر از تلفات در ستالینگراد و کورسک بود .

ارتش سرخ سرحدات رایش در شرق پروس در سواحل ویستولا تا هنگری را تحت فشار قرار دادند و در جنوب وارسا چندین اردوگاه در ساحل غربی رود خانه ویستولا ایجاد کردند . و این اردوگاه ها پایگاهی را تشکیل می داد که برای عملیاتی که توسط سر فرماندهی عالی اتحاد شوروی از سپتمبر ۱۹۴۴ برای عملیات ویستولا- اودر برنامه ریزی شده بود، استفاده می گردید .

به خاطر جنگ در شرق، المان نمی توانست قوای خود را به غرب انتقال دهد. اگر چه شکستن خط دفاعی با حمله متفقین غربی در ۶ جون و پیاده شدن در سواحل نورماندی موفقیت آمیز بود اما با مسدود ساختن مناطق و معبر های

فرود آمدن قوای متفقین توسط ورماخت مانع برای جنگ قاطع جبهه ئی بود و برای جا به جایی قوت ها در فرانسه مؤثر بود . مگر در خزان ۱۹۴۴ جنگ در بخش مرکزی جبهه شوروی و آلمان فروکش کرد .

برنامه ریزی گمراه کننده

برنامه ریزی گمراه کننده ارتش سرخ در مرکز فرماندهی پیشوا به عنوان ضعف ارتش سرخ در نظر گرفته شد . که نیروهای شوروی برای مدت طولانی ناتوان گردیده و قابلیت برای حمله بزرگ را از دست داده است و نظر فرماندهی چنین بود .

کم بها دادن به قدرت نظامی اتحاد شوروی به تعدادی از اشتباهات ستراتژیک و عملیاتی جدی منجر گردید . هیتلر و خدمتگذارانش در ورماخت یقین کردند که زمان یک حمله تهاجمی در غرب رسیده است .

المانها در شرق خطوط جبهه را می خواستند به همان حالت دفاعی نگهدارند و در غرب به انگلیس ها و امریکائی ها شکست پر از تلفات وارد سازند و یا حتی دوباره آن ها را به بحر پرتاب نمایند و پس از آن در برابر ارتش سرخ قرار بگیرند . در ۱۶ دسمبر ارتش آلمان تهاجم آردنن را در مقابل انگلیس و امریکا آغاز کرد .

باتوجه به درک شان از ضعف ارتش سرخ سرفرماندهی عالی ورماخت که پیروزی سریع در غرب را انتظار داشت نیروی های محدود در جبهه شرق را کافی دانست . علاوه بر این از خزان ۱۹۴۴ به گذاشتن موانع و مستحکم ساختن خطوط مدافعه از بحیره بالتیک تا کوه های کارپات را شروع کردند .

تقریباً ۶۰۰ هزار غیر نظامی برای ساختن مواضع مورد استفاده قرار گرفت و جبراً به کار گمارده شدند . شهرستان ها و مراکز حمل و نقل در جمله استحکامات اعلام شد . با این حال ورماخت به هیچ صورت نیرو های ذخیره عملیاتی برای خطوط استحکامات در اختیار نداشت .

ارتش سرخ عملیات تهاجمی خود را به تاریخ ۲۰ اگست ۱۹۴۴ در بین رودخانه های نیستر و پروت شروع کردند که به سمت بوداپست و وین آن را توسعه دادند آلمان حتی واحد های زرهی خود را از جبهه ویستولا حذف و به هنگری منتقل کردند .

اتحاد جماهیر شوروی پلان تهاجم زمستانی را پیش بینی می کرد که ورماخت را به نابودی بکشاند و ارتش سرخ در صورت امکان تا برلین پیشروی کند . با تلاش باور نکردنی تدارکاتی اتحاد شوروی نیروهای نظامی را که تا کنون دیده نشده است با نظم خاص جمع آوری کرده بود .

هنگامی که کشف آلمان دانست که چه آتشی برپا خواهد شد از مسؤولین سرفرماندهی جبهه شرق ارتش کمک های تقویتی قابل توجه را تقاضا کرد . با در نظر داشت وضعیت جنگ و حوادث قابل پیش بینی تنها واکنش معقول تسلیم شدن ارتش آلمان بود ، که برای جنرال های فاشیست گزینه قابل پذیرش نبود .

سرفرماندهی ارتش لشکر ۳۰ را که در کورلاند محاصره شده بود اما از راه بحیره بالتیک می توانست انتقال داده شود یکی از امکانات تقویت قواء به شمار می آورد . هیتلر و سر فرماندهی ورماخت آن را رد کردند . آن ها به ارزیابی خود از وضعیت ارتش سرخ محکم چسبیده بودند که ارتش سرخ برای یک حمله بزرگ فعلاً نا توان است و اقدامات دفاعی گرفته شده کافی است .

آن ها نمی خواستند چنین پایگاه قوی در خاک شوروی را از دست دهند به این سبب که اگر نبرد آردنن به موفقیت بینجامد ، ائتلاف ضد هیتلر از هم خواهد پاشید نظر به حدس و گمان نازی ها در آن صورت قوای کورلاند برای یک عملیات بزرگ گازانبری در برابر ارتش سرخ به کار انداخته خواهد شد .

قوای که بعد از پیروزی در آردن از جبهه غرب مرخص می شوند برای تقویت جبهه ویستولا به طرف شرق گسیل گردد تا با لشکر کورلاند در عمق خاک اتحاد جماهیر شوروی یکجا شده به پیشروی ادامه دهند .

زیر ضربت قرار گرفتن و رماخت

ضربه اصلی تهاجم اتحاد جماهیر شوروی در جبهه اول بلاروس تحت رهبری گنورگی کنستینوویچ ژوکوف و در جبهه اول اوکراین تحت رهبری ایوان استیپانوویچ کونف باید از دایره بزرگ ویستولا به طرف برلین هدایت شود . هر دو جبهه باهم زیادتر از ۲.۲ میلیون سرباز و ۳۳۵۰۰ توپ ۷۰۰۰ هزار تانک و ۵۰۰۰ هزار طیاره در اختیار خود داشتند. در مقابل شان گروه الف ارتش المان با ۵۸۰ هزار سرباز ۱۱۰۴ تانک و ۲۶۰۰ توپ قرار داشت . با توجه به این آمار و ارقام و توانائی فزاینده افسران شوروی در مدیریت و رهبری قوای عظیم حتا تقویت جبهه شرق در چارچوب امکانات و فرصت باقی مانده برای فاشیسم و رهبری دقیق عملیات نظامی پیروزی شوروی را در بهترین حالت می توانست به تأخیر بیندازد اما مانع پیروزی شوروی شده نمی توانست

تهاجم شوروی بنا به درخواست قدرت های غربی به خاطر کاهش فشار در جنگ آردن پیش از وقت پلان شده آغاز گردید . در ۱۲ جنوری قوای کونف آتش عظیم و گل ناشدنی را از اردوگاه سندومیرز باز کردند و جنگ را به سمت منطقه صنعتی سیلیسیای علیا و براسلاو گسترش دادند .

به تاریخ ۱۳ جنوری تهاجم به شرق پروس شروع گردید . یک روز بعد تر سربازان ژوکوف حمله خود را به سمت لودز - پوزنان - فرانکفورت اودر متوجه ساختند . شروع آتشباری از چند جا برای نیروهای مسلح المان دشوار بود تا سمت اصلی حمله اتحاد شوروی را شناسائی کند و با قوای سریع خود در مقابل آن وارد عمل شوند .

حتی واحد های آماده سازی توپخانه گروه الف ارتش تلفات وسیعی را متقبل شدند و تقریباً یک چهارم واحد های المانی تیم خود را از دست دادند . در کتاب وقایع روزمره جنگ در مرکز سرفرماندهی و رماخت چنین آمده است ، ارتش سرخ در اولین روز تهاجم خود موفق گردید تا عمق ۲۵ کیلومتری داخل گردد. پس از چهار روز هیچ جبهه منسجم در مقابلش وجود نداشت . و در طول یک هفته سربازان شوروی در عرض جبهه گسترده ۵۰۰ کیلومتری تا عمق ۱۵۰ کیلومتری طرف غرب پیشروی کردند .

در ۱۷ جنوری واحد های خط مقدم جنگ از قوای جبهه اول بلاروس با قوای نمبر یک ارتش پولند در وارسا رسیدند که روز بعد کمیته نجات ملی لوبلین در آن جا نقل مکان کرده و دولت موقت پولند را به وجود آوردند . در ۱۹ جنوری این قواء به لودز و کراکوف رسیدند .

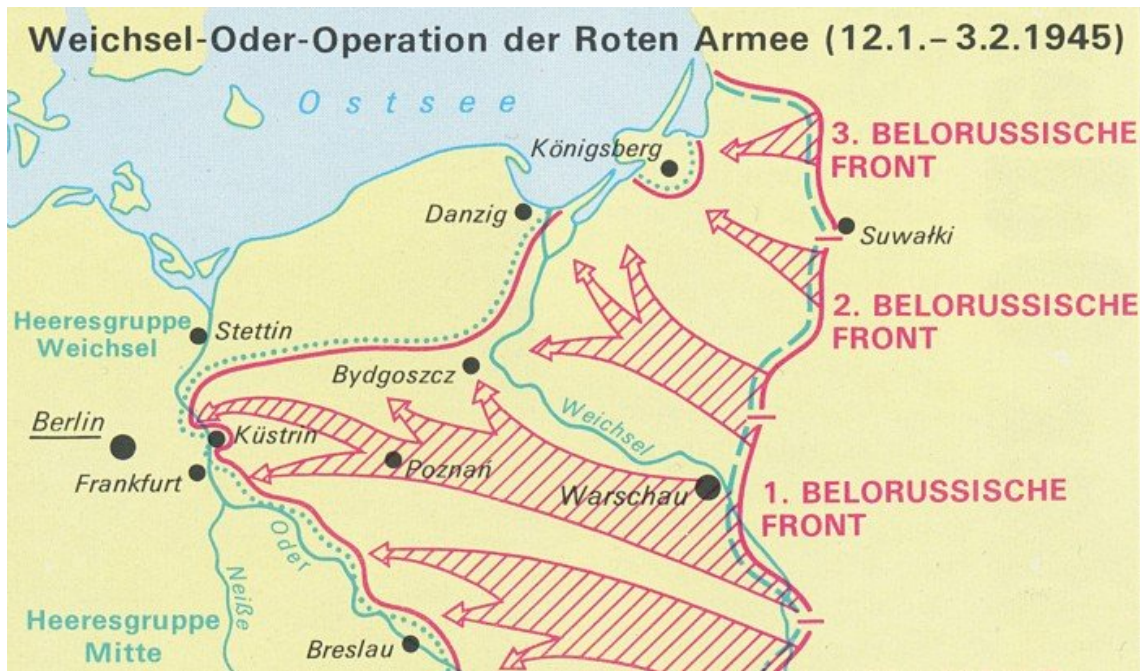
در ۲۷ جنوری سربازان کونف اردوگاه کار اجباری آشویتس را آزاد کردند . برای آنها گویا تصاویر پایان جهان (آپوکالیپس) ارائه گردیده بود و سربازان ارتش سرخ تنها با ۷۰۰۰ هزار زندانی که بیشتر به مردگان شباهت داشتند تا به زندگان مواجه شدند . در نبرد برای داخل شدن در اردوگاه آن ها ۲۳۰ نفر از رفقای خود را از دست دادند .

در این میان از وضعیت فاجعه آمیز ارتش رهبران نازی آگاه بودند . وزیر تبلیغات یوزف گوبلز در دفتر یادداشت های روزانه خود نوشت که بلشویک ها به جمع آوری یک نیروئی که بسیار بالاتر از ارزیابی ما بود موفق شدند و یک تهاجم با تمام قواعد جنگ را آماده ساختند، که یک چنین شکست فوری و به این پیمانانه وسیع را به بار بیآورد تقریباً مانند یک فانتری به نظر می رسد . توهمی که محافل رهبری نظامی ما در مورد قدرت جنگی اتحاد شوروی و برتری ما ارائه می دادند همه به هیچ گشت و پراکنده شد . هیچ شک و شبهه وجود ندارد که بخش های وسیعی از واحد های ما تار و مار شدند. او نتیجه می گیرد که ما در خونین ترین بحران جنگ قرار داریم .

تصمیمات اساسی که توسط اطرافیان نزدیک هیتلر اتخاذ می گردد همه بر اساس انتظارات شان تعیین می شود که متفقین این موقعیت غیر طبیعی را که در مقابل ما به دست آورده اند دیر یا زود از هم متلاشی می گردد و جنگ به نوبه خود به نفع المان چرخش می کند .

گوبلز به تاریخ ۳۰ جنوری نوشت که رهبر در این مورد به حق است و درست گفته است که ائتلاف دشمن از هم می باشد تنها لازم است زمان کمائی کنیم و موقعیت لازم برای تهاجم متقابل را علیه اتحاد جماهیر شوروی در دست بگیریم . در پهلوی منطقه جوشان **کورانلاند** چاه های نفت و پالایشگاه های هنگری و حوزه وین را در دست داشته باشیم . با توجه به گفتار هیتلر تنها با سوخت کافی و رماخت می تواند دوباره دست به حمله بزند .

همه چیز برای جبهه شرق



هیتلر و سرفرماندهی و رماخت در ۱۵ جنوری ستاد پیشوا را در **باد نوهایم** ترک کردند که از آن جا نبرد **آردنن** رهبری می شد و به **برلین** و **تسوزن** نقل مکان کردند . سرفرماندهی عالی و رماخت دستور داد، با توجه به وضعیت شرق در جبهه غرب به عوض تعرض به دفاع پرداخته شود و جبهه شرق به صورت دقیق تقویت گردد. ۴۵ لشکر از غرب و تأسیسات جدید باید به شرق فرستاده شود و هم چنان یک قسمت زیاد سلاح و تجهیزات و تولیدات جدید به جبهه شرق انتقال داده شود

از ۱۶۴۲ تانک که ماه فیروری ۱۹۴۵ برای جبهه غرب تحویل داده شده بود ۱۵۵۵ تانک تقریباً ۹۵ فیصد آن در جبهه شرق فرستاده شد ۱۰۰۰ طیاره شکاری و بم افکن و چندین صد توپ های دافع هوا و سامانه های دفاع هوایی به شرق گسیل گردید.

از آن جا که دفاع هوایی به خاطر خروج نیروهای دافع هوا شدیداً متأثر گردیده بود بسیاری شهر های المان که مثال برجسته آن درسدن است و از حملات هوایی انگلیس و امریکا بدون حفاظت با عواقب مخربی برای مردم غیر نظامی باقی مانده بود، پر از پناهندگان گردیده بود

از اواسط جنوری در منطقه نظامی شرق بسیج مردمی اعلام شد که همه مسلح شوند . چیزی که تا حال اعمال نگردیده بود مردان ۱۶ ساله تا ۶۰ ساله همه فرا خوانده شود ، اکثریت تازه جلیبی ها بدون اونیفورم و با اسلحه سبک مسلح شده بودند بدون تعلیمات نظامی به وظیفه نظام گمارده شدند که متحمل تلفات عظیمی گردیدند . امکان انتقال تجهیزات و پرسونل آن از غرب وجود داشت زیرا نیروهای انگلیس و امریکا بعد از نبرد آردنن تا پایان ماه فبروری تا حد زیادی در سرحدات غربی المان غیر فعال باقی ماندند .

گوبلز به تاریخ ۱۹ جنوری نوشت : برای ما شادی بزرگ است که تهاجم شرق ارتش سرخ با تهاجم غرب انگلیس ها و امریکائی ها نتوانست همراه شود . که این منجر به ناراحتی اتحاد جماهیر شوروی می گردد . آن ها یک تهاجم امدادی از سوی متفقین خود را انتظار می بردند .

نازی ها سعی داشتند با سیاست ترس و رعب قابلیت های نظامی اضافی به دست بیاورند . یکی از این اقدامات برکناری فرمانده نرم خوی کل قواء بود که به جایش **فردیناند شورنر** که به سگ درنده معروف شده بود در رأس گروپ الف ارتش گمارده شد که با شدت و سبعیت بی رحمانه می خواست علیه بزلی اقدام کند

به جای فرمانده ارتش چهارم **فریدریش هوسباخ** ، **ویلهلم مولربرگزیده** شد که با جنایات جنگی در قبرس برای خود نامی کمائی کرده بود . از همین سبب در سال ۱۹۴۷ در آتن اعدام گردید .

بخش حیاتی این سیاست می خواست قوای نظامی را با تهدید و تخویف با خود همنا بسازند ، افزایش ترور علیه سربازان ، و با شدت و قساوت زیاد و با وسایل رادیکال بنا به گفته رئیس فرماندهی قوای مسلح **ویلهلم کایتل** باید در برابر بزدل ها، فراریان و کسانی که در برابر اوامر نافرمانی می کنند رسیدگی شود دادگاه های صحرائی و دادگاه های ایالتی احکام مرگ را بدون توقف صادر کنند .

تبلیغات ترور را شدت بخشید . ترس و نگرانی سابقه از روسیه دوباره فعال شد و با اضافه کردن تبلیغات ضد بلشویکی و داستان های قساوت ارتش همراه شدند . روزنامه **فولکیشر بنوبختر** « روزنامه حزب ناسیونال سوسیالیست از سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۵ » که به تاریخ ۹ فبروری منتشر گشت، در سرمقاله خود نوشت : چنین است خشم شوروی در شرق المان ! روش ریشه کن کردن و انقراض و حشتناک مردم توسط بلشویکها .

اراده برای اجرای دستورات بدینوسیله معنا می یابد ، سربازان و غیر نظامیان به طور فزاینده در بدترین حالات و وضعیت بیهوده باید انگیزه برای مبارزه داشته باشند . به این ترتیب تنور تبلیغات باید زبانه بکشد قبل از همه برای حفاظت از زنان و کودکان ما .

در بروشوری از گروه ارتش در **ویستولا** تحت عنوان گزارش واقعی ترور سرخ چنین آمده است : سرباز المانی ! به همسر و به کودکانت فکر کن و عمل کن !

گوبلز در ۲۵ جنوری نوشت این بستگی دارد که تا آخرین لحظه مردم برای شرکت در جنگ تحریک شوند و تعهد داشته باشند

گزارش دفتر تبلیغات رایش در بایرن سفلی در ۹ فبروری محتوا و هدف تهاجم تبلیغاتی را توصیف کرد : اعتقاد راسخ که پیروزی شوروی به معنای انقراض زندگی مردم المان و هر کس دیگر است که این اعتقاد مال مشترک همه هموطنان باشد که پیروزی شوروی یعنی انقراض همه مردم المان و این اعتقاد از همه آمادگی برای جنگ و مبارزه شدید و رادیکال علیه کسانی که به جای اطاعت نافرمانی می کنند، می طلبد.

مردم غیر نظامی به حیث گروگان

در طول تهاجم اتحادشوروی جنگ به رایش المان رسید جائی که در آن جا برنامه ریزی شده بود و جنگ آغاز گردیده بود. جنگ منجر به مهاجرت دسته جمعی جمعیت المانی گردید در ابتداء از سر زمین های اشغال شده و مناطق ضمیمه شده پোলند و پروس شرقی به المان و بعد از ۱۸ جنوری از سر زمین های غربی سرحدات قدیمی رایش .

تخلیه غیر نظامیان به خاطر مقاصد تبلیغاتی بسیار دیرتر آغاز شد . حق اولویت استفاده از ظرفیت قطار و سرویس ها در درجه نخست به دسترس و رماخت گذاشته شده بود . اکثریت کوچ کنندگان مجبور شدند پیاده بروند . به منظور ایجاد میدان آزاد برای جنگ بسیاری شهر ها و مناطق بود و باش به دستور نیروهای مسلح زمانی که جبهه جنگ جلو آمد تخلیه شدند

آخرین مهلت برای اکثر مردم یک تا دو ساعت بود . مواد غذایی و لباس را به هیچ صورت در مهلت کوتاه نمی توانستند جمع کنند . تعداد زیادی المانی ها روستا های خود را به خاطر ترس از خطر بلشویک ها به ابتکار خود ترک کردند .

در پهلوی قمچین تبلیغات نازی ها رفتار ارتش سرخ هم به ترس عمومی از روس ها کمک کرد . بنا بر اعلام نظامیان شوروی ، وقت آن رسیده که به خاطر جنایات هولناکی که علیه خلق شوروی انجام داده شده است انتقام گرفته شود . اگر چه این اعلام به خاطر افزایش آمادگی ارتش در نظر گرفته شده بود ، اما خشونت بیش از حد ، قتل های خودسرانه ، تخریب بی رویه غارت و تجاوز به عنف را به بار آورد .

رهبری ارتش سرخ اشکارا به مشکلات برای بازگرداندن نظم و دسپلین بر خوردند . استفان دُورنبرگ برلینی که در ارتش سرخ بریدمن (ستوان) بود گفت پس زمینه های تجربی بسیاری از سربازان که پس از سه سال جنگ نابودکننده در مقابل مردم شوروی اعمال گردید چنین رویدادهایی قابل توجیه است اما بخشیدنی نیست . تبلیغات نازی ها مشتاقانه به این وقایع جنگ انداخت

سردی و یخبندان ، کمبود مواد غذایی و هیچ گونه محل اقامت سر پوشیده ، منجر به مرگ صد ها هزار نفر در حال فرار به ویژه باعث مرگ کودکان و افراد مسن گردید . تخلیه غیر سازمان یافته با استفاده ناکافی از وسایل حمل و نقل ، قطارهای طولی از مردم در حال فرار در بین جبهه های جنگ گیر می افتادند که منجر به تلفات بیشتر و دادن قربانیان عظیم گردید .

مثال جدی سیاست شان برای تخلیه ، مرکز سیلسیا شهر براسلاو است . این شهر بزرگ به حیث دژ مستحکم اعلام شد و تخلیه شهر در ابتداء ممنوع بود . وچنین بود منطق منحرف رهبران المان که یک شهر پر از زنان و کودکان به سرسختی دفاع می شود نظر به یک دژ تخلیه شده از زنان و کودکان.

به علاوه خروج دسته جمعی می تواند برای اعتماد به نفس در پیروزی مضر باشد . جمعیت غیر نظامی جنایتکارانه به حیث گروگان به خاطر سیاست پایداری گرفته شده بود . زمانی که جنگ نزدیک تر آمد معلوم شد که ساکنین شهر در دژ به یک مشکل نظامی تبدیل شده است به همین سبب اخراج اجباری ۷۰۰۰۰۰ هزار نفر انجام شد .

از آن جا که راه آهن و سرویس ها تا حد زیادی برای و رماخت ریزرف شده بود ، ۲۰۰ هزار نفر غیر نظامی در هوای زیر صفر مجبور به ترک شهر با پای شدند . حین مهاجرت دسته جمعی که به نام مارش مرگ زنان و کودکان براسلاو معروف شد در حدود ۹۰۰۰۰ هزار نفر از بین رفت .

نظر به تخمین سرفرماندهی و رماخت در ۲۸ جنوری ۳،۵ میلیون نفر بین رودخانه ویستولا و رود خانه اودر در حال فرار بودند . این مشکل یک تصویر منفی از رهبری المان را در افکار عمومی به جا می گذاشت و هم چنان مانعی برای حرکت و جابه جایی ارتش به وجود آورده بود .

بنا برین باید از تخلیه بیشتر و حمایت از کاروان بیجا شدگان توسط و رماخت جلوگیری شود . فرمانده قوای استحکامات از فرماندهی ارتش کارل ویلهلم تیلو دستور داد از داخل شدن پناهندگان در مناطق امن و تحکیم شده

جلوگیری شود. (کارل ویلهلم تیلو بعد از جنگ عمومی دوم در قوای مسلح المان فدرال به حیث فرمانده لشکر یکم کوهی قوای فدرال مقرر گردید) . فرمانده گروپ ارتش در ویستولا دستور داد ما باید دفاع را سازماندهی کنیم و نه فرار را سازماندهی کنیم .

تهدید از دو سمت

حمله برق آسا در همین حال ادامه پیدا کرد و در ۲۳ جنوری استحکامات پوسن محاصره شد و در آخرین سنگر دفاعی المان در مقابل رودخانه اودر برخورد کردند . قوای تحت رهبری ایوان استینیانوویچ کونف پس از یک عملیات درخشان موفق شدند شهر صنعتی سیلسیا علیا را آزاد کنند.

پس از منطقه صنعتی روهر مهم ترین محل صنایع المان دست نخورده به دست شوروی ها افتاد . تولیدات صنایع جنگی المان تا ۲۵ فیصد نظریه سطح ماه دسمبر کاهش یافت .

در پایان جنوری پس از مارش ۵۰۰ کیلومتری با وارد کردن تلفات سنگین به خصوص منهدم ساختن تانک های دشمن سربازان تحت رهبری گنورگی کنستینوویچ ژوکوف در شمال فرانکفورت اودر رسیدند و اردوگاه خود را در سواحل غرب رود اودر ایجاد کردند .

تقویت از جبهه غربی در پومرن به امتداد سواحل اودر ایجاد یک گروه قوی نیروهای المانی را ممکن ساخت که هر دو جناح قوای ژوکوف را تهدید می کرد . دسته جات حمله آور ارتش سرخ مجبور شدند به سمت شمال دور بخورند و تنها در ماه مارچ سواحل اودر تحت کنترل ارتش سرخ قرار گرفت . آمادگی برای نبرد نهائی ، طوفان بالای برلین آغاز شد .

موفقیت های ارتش سرخ گفت وگوهای سران کشور ها و دولت ها در یالتا راتحت تأثیر خود قرار داد نمایندگان غربی مخصوصاً با موضوع اصلی کنفرانس ، آینده پولند در برابر اتحاد شوروی مایل به سازش بودند .

اتحاد شوروی توانست برنامه های خود را بعد از به رسمیت شناختن کمیته لوبلین به عنوان دولت پولند وبعد از تولد دوباره پولند در داخل مرز های امن بدون گرایش ضد شوروی را تحقق بخشند .

جمهوریت دموکراتیک المان ۹ ماه پس از تأسیس خود سرحد اودر- نایسه را به عنوان مرز شرقی المان به رسمیت شناخت .

جمهوری فدرال المان توسط مطالبات ارضی خود از پولند وضعیت بین المللی را به طور مداوم تشدید می کرد و زمینه تکامل پولند را مشکل می ساخت . فقط با پیمان ۴ بر علاوه ۲ سرحد اودر - نایسه را به رسمیت شناخت .